موافقت قرائت «آل یاسین» با مبانی شیعه و عدم رواج آن، دلیلی بر پذیرش تعدد قرائات

خیلی جالب است؛ یکی از صفحاتی که عرض کرده بودم «یک دلیل بر تعدد قرائات بود»، دلیل بیستوییکم مربوط به همین آیه بود. به گمانم این دلیل ها خیلی قابل تأمل است.

> **دلیل خوب برای تعدد قراءات، عدم رواج (دقت شود) قرائت آل یاسین در بین شیعه است، چون اگر الیاسین از ناحیه خدا نبود و متواتر نبود، چون در روایات شیعه متعدد آمده و حتی به نقل اهل سنت امام صادق ع به حمزه تذکر دادند که من در ده مورد با تو مخالفت میکنم که یکی همین آل یاسین بود و حمزه الیاسین قرائت کرده بود، اگر الیاسین هم نازل نشده بود، ممکن نبود این قرائت در بین شیعه رایج شود و آل یاسین رواج نداشته باشد[1]**

«دلیل خوب برای تعدد قراءات، عدم رواج (دقت شود) قرائت آل یاسین در بین شیعه است»؛ الآن بین ما «آل یاسین» رایج است.**«چون اگر الیاسین از ناحیه خدا نبود و متواتر نبود»**؛ یعنی طبق روایت حرف واحد، شیعه میگفت یکی از آنها برای خدا است، باید بین آنها «آل یاسین» رایج شود. چون هم با عقیده آنها موافق است و هم با روایات آنها موافق است. و هم اینکه میگویند «إل یاسین» از ناحیه خدا نیست.

«چون در روایات شیعه متعدد آمده و حتی به نقل اهل سنت امام صادق ع به حمزه تذکر دادند که من در ده مورد با تو مخالفت میکنم که یکی همین آل یاسین بود و حمزه الیاسین قرائت کرده بود، اگر الیاسین هم نازل نشده بود، ممکن نبود این قرائت در بین شیعه رایج شود و آل یاسین رواج نداشته باشد»؛ و حال آنکه در قدیم و جدید بین آنها «إل یاسین» معروف بوده. بهخصوص در متأخر که روشن است. بنابراین «إل یاسین»ی که در این نقل حضرت به آن استشهاد کردند، شاهد روشنی است بر تعدد قرائت.

شیخ الطائفه که شیعی است در تبیان وقتی به «سلام علی آل یاسین» میرسند میگویند در اینجا دو قرائت است. نافع، ابن عامر و یعقوب. مرحوم طبرسی یعقوب را از یک طرف میگویند، ولی نمیدانم این طریق در دست ایشان نبوده یا نه؟ شیخ از هر دو طرف میگویند یقوب قرائت کرده

است. مرحوم طبرسی شاید از طریق روس می‌گویند. درحالی‌که هر دو روح و روس «آل یاسین» را از یعقوب روایت کرده‌اند. شاید خودشان چند طریق دارند.

وقتی به منزل رفتید تبیان را نگاه کنید. شیخ می‌فرمایند کسانی که «سلام علی آل یاسین» خوانده‌اند، یعنی «سلام علی آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله». بعد می‌گویند عده‌ای هم «إل یاسین» قرائت کرده‌اند و وجه آن را هم می‌گویند. جالب این است: رسم شیخ در تبیان این است: اول قرائت را می‌گویند و وجه آن را می‌گویند، بعد مثل مجمع آیه را معنا می‌کنند. دو قرائت را گفته‌اند اما وقتی می‌خواهند معنا کنند فقط «آل» را معنا می‌کنند. یعنی در معنا کردن اصلاً ایشان با قرائت «إل یاسین» کاری ندارند.

خب این رئیس شیعه، شیخ الطائفه است، این هم تبیان است، چقدر بین شیعه حرف ایشان به‌عنوان واحد جا گرفته؟! هیچی. حرفی است که ایشان گفته‌اند و دیگران هم دیده‌اند و تا قرن یازدهم مشکلی هم نداشتند، اما حالا شما فضای قرن یازدهم را حاکم کنید. شیخ الطائفه می‌گویند این است. آن هم حرف واحد، بقیه آن را کنار بگذارید. این فضا برای شیخ نبوده است. با این هم زحماتی که ما دیدیم این فضا اصلاً برای ایشان نبوده است. مختار و رجحان را به این می‌دهند و حال این‌که در ذهنیت ایشان منافاتی با سائر موارد نداشته.

---

[1]فدکیه

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 15:17:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 13:44:20 توسط ... .